

تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی

مهدی عرب صالحی^۱، مجید هاشمی^۲

چکیده: مالیات، مهم‌ترین درآمد دولت‌ها به‌شمار می‌رود که از دیرباز وصول می‌شده است. از سوی دیگر، شرکت‌ها همواره در پی پرداخت مالیات کمتر هستند. اجتناب مالیاتی، از جمله روش‌هایی است که پرداخت‌کنندگان مالیات می‌توانند به‌منظور کاهش مبلغ مالیات از آن استفاده کنند. عوامل متفاوتی، از جمله اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی مؤثر است. هدف این پژوهش تعیین تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی است. به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، به بررسی ۷۶ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ پرداخته شد. همچنین آزمون فرضیه‌های پژوهش به‌کمک الگوی رگرسیون چندمتغیره و شیوه داده‌های ترکیبی انجام گرفت. نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش گویای آن است که اثر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی، مثبت و معنادار است. به بیان دیگر، اطمینان بیش از حد به مدیران ارشد سبب افزایش اجتناب مالیاتی در فرایند گزارشگری مالی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، اطمینان بیش از حد مدیریتی، تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی.

۱. استادیار گروه حسابداری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۲۰

نویسنده مسئول مقاله: مجید هاشمی

E-mail: majidhashemi1990@gmail.com

مقدمه

دولت‌ها همواره در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون باید در خصوص برآورده کردن نیازها و خواسته‌های اساسی، همچون ایجاد شغل، برقراری امنیت داخلی و ملی، تثبیت قیمت‌ها و غیره، در برابر مردم پاسخگو باشند. بدیهی است برای دستیابی به اهداف فوق، برخورداری از منابع مالی کافی ضروری است. بنابراین عجیب نیست مالیات از دیرباز موضوع مطرخی در جوامع باشد و توجه نهادها و افراد مختلف را به خود جلب کند. به دلیل نقش خاص مالیات و تأثیر بدیهی آن بر جوامع و دولت‌ها، موضوع مالیات، قوانین و سازوکارهای مربوط به آن، در کانون توجه صاحب‌نظران اقتصاد، مالیّه عمومی، سیاستمداران و حتی عموم مردم قرار گرفته است. در نتیجه، قوانین مالیاتی از جمله قوانین اصلی در زمینه‌های اقتصادی، شاید یکی از مهم‌ترین ابزار اعمال سیاست‌های اقتصادی دولت است. مالیات یکی از ابزارهای مهمی است که دولت‌ها به کمک آن در متغیرهای کلان اقتصادی، مانند رشد اقتصادی، تورم و بیکاری و تخصیص منابع، اثر می‌گذارند. در واقع مالیات قسمتی از درآمد و دارایی افراد است که به منظور پرداخت مخارج عمومی و اجرای سیاست‌های مالی در راستای حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، به موجب قوانین و از طریق اهرم‌های اداری و اجرایی دولت، از افراد و بنگاه‌ها وصول می‌شود. در گذشته، هدف از وضع و اخذ مالیات تأمین مالی دولت بود، اما به تدریج با آشکار شدن آثار اقدامات مالی دولت، مالیات ابزاری برای رشد، ثبات و کاهش نابرابری تلقی شد و در کانون توجه قرار گرفت (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳).

یکی از منابع دولت، وصول مالیات از شرکت‌هاست. مبانی نظری و شواهد تجربی نشان می‌دهد شرکت‌ها در تلاش‌اند مالیات بر درآمد خود را کاهش داده یا به تعویق بیندازند. اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، مدیریت سود و غیره، ابزارهایی هستند که شرکت‌ها ممکن است برای کاهش مالیات در صورت لزوم، بسته به وضعیت از آنها استفاده کنند. در این پژوهش اجتناب مالیاتی یا یکی از ابزارهای کاهش مالیات، بررسی می‌شود. از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش برای کاهش مالیات‌های پرداختی است (هانلوم و هیتزمن، ۲۰۱۰). فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی است، اما اجتناب از مالیات، در واقع نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی برای کاهش مالیات است. بنابراین، از آنجاکه اجتناب مالیاتی فعلیتی به ظاهر قانونی است، به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین برای استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدودکننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد (خانی، ایمانی و ملایی، ۱۳۹۲)، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند و به همین دلیل تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها اهمیت زیادی دارد.

نتایج پژوهش‌های پیشین (مانند چایز، گرتر، کوسر و واتسون، ۲۰۱۴) نشان می‌دهد یکی از عوامل تأثیرگذار بر اجتناب مالیاتی، مفهوم اطمینان بیش از حد مدیریتی است. اطمینان بیش از حد یا اطمینان به نفس بیش از حد، یکی از مهم‌ترین مفاهیم مالی رفتاری مدرن است که هم در تئوری‌های مالی و هم روان‌شناسی جایگاه ویژه‌ای دارد. بیش اطمینانی سبب می‌شود انسان دانش و مهارت خود را بیش از حد و ریسک‌ها را کمتر از حد تخمین زند و احساس کند بر مسائل و رویدادها کنترل دارد؛ در حالی که ممکن است در واقعیت این‌گونه نباشد (فروغی و نخبه فلاح، ۱۳۹۲). اجتناب مالیاتی و اطمینان بیش از حد می‌تواند به ابزاری قانونی برای کاهش مالیات بر درآمد شرکت‌ها تبدیل شوند.

مطالعات پیشین در ایران که به بررسی اطمینان بیش از حد مدیریتی پرداخته‌اند، تأثیرهای آن را بر سیاست‌های تقسیم سود، چسبندگی هزینه، سرمایه‌گذاری و... بررسی کرده‌اند، اما هیچ‌یک به بررسی تأثیرهای اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی نپرداخته‌اند. بنابراین، هدف این پژوهش بررسی تأثیرهای اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی است.

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

در اغلب کشورها و به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته، مالیات عمده‌ترین منبع مالی دولت است. در کشورهای توسعه‌یافته، درآمدهای مالیاتی برای تأمین مالی مخارج دولت، از اهمیت زیادی برخوردار است، اما در کشورهای در حال توسعه به‌دلیل وجود ساختار توری و کارانبودن سیستم مالیاتی، درآمدهای مالیاتی درصد ناچیزی از تولید ناخالص این کشورها را شکل می‌دهد (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳). در حالی که برخی از کشورها ۹۰ تا ۹۵ درصد از هزینه‌های عمومی خود را از طریق درآمدهای مالیاتی تأمین می‌کنند، ایران به‌دلیل شفاف‌نبودن و ناتوانی سیستم مالیاتی در شناسایی صحیح میزان درآمد بنگاه‌ها و افراد، عموماً میزان مالیات تشخیصی ناچیز است. کما اینکه بخش شایان توجهی از همین مالیات تشخیصی نیز وصول نمی‌شود و در صورت وصول، اصل فایده در آن رعایت نمی‌شود؛ به این معنا که هزینه وصول نسبت به مالیات وصولی بیشتر است. پس از درآمدهای نفتی، عمده‌ترین درآمد دولت برای تأمین مالی بودجه، درآمدهای مالیاتی است که از آن سه هدف تخصیص منابع اقتصادی، توزیع مجدد درآمد و تثبیت اقتصادی، پیگیری می‌شود (شوروزی و رحمانی، ۱۳۹۰).

مالیات بر درآمد، بر مبنای سود شرکت‌ها تعیین می‌شود و سهم شایان توجهی از درآمد مالیاتی دولت‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. در بیشتر نظام‌های مالیاتی برای محاسبه سود

شرکت‌ها، طبق قوانین مالیاتی، یکسری هزینه‌ها با عنوان هزینه‌های قابل قبول، از درآمد ناخالص شرکت‌ها کسر می‌شود. علاوه بر این، در بیشتر کشورها نیز به دلایل متعددی چون، حمایت از برخی صنایع، تشویق و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و حمایت از سرمایه‌گذاری، در مناطق ویژه‌ای معافیت و تخفیف‌های مالیاتی به شرکت‌ها اعطا می‌شود که به سبب آن، بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات تفاوت به وجود می‌آید (سعیدی و کلامی، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر، پرداخت‌های مالیاتی از جمله هزینه‌های عمده‌ای است که افراد و بنگاه‌ها به موجب فعالیت‌های درآمدزای خود متحمل می‌شوند. از آنجاکه پرداخت مالیات، ثروت را از شرکت و مالکان آن به دولت منتقل می‌کند، اغلب شرکت‌ها اقدامات مدیریتی را به گونه‌ای طراحی و اجرا می‌کنند که تعهدات مالیاتی شرکت را به حداقل برساند (جهرمی، ۱۳۹۱). فرار مالیاتی، اجتناب مالیاتی و برنامه‌ریزی مالیاتی، از جمله تدابیری است که شرکت‌ها برای کاهش مالیات به کار می‌برند (آگراوال، ۲۰۰۷).

به بیان ساده، هر اقدام غیر قانونی برای پرهیز از پرداخت صحیح مالیات (حساب‌سازی، عدم ارائه دفاتر و...)، فرار مالیاتی نامیده می‌شود (زهی و محمد خانی، ۱۳۸۹). از سوی دیگر، برخی اجتناب مالیاتی را به اقدامات قانونی به منظور کاهش بدهی مالیاتی تعریف می‌کنند. تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی، در قانونی بودن اقدامات مؤدیان ریشه دارد. فرار مالیاتی نوعی تخطی از قانون است؛ زمانی که مؤدی از گزارش درآمد مشمول مالیات مربوط به کار یا سرمایه‌اش خودداری می‌کند، دست به اقدام غیر قانونی می‌زند و با این کار، در معرض برخورد قانونی از جانب مراجع مالیاتی قرار می‌گیرد. در مقابل، اجتناب مالیاتی در چارچوب قوانین مالیاتی انجام می‌شود و مؤدی دلیلی برای نگرانی کشف احتمالی اقدامات خویش ندارد (جهرمی، ۱۳۹۱). از جمله تفاوت‌های دیگر فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی، می‌توان به واکنش و بازتاب افشای عمل اشاره کرد. در اجتناب مالیاتی فرد نگران بر ملا شدن عمل خود نیست؛ چراکه وی عمل غیر قانونی انجام نداده است، اما در فرار مالیاتی، بر ملا شدن عمل فرد می‌تواند تبعات قانونی، جرایم و تنبیه‌هایی را برای آن به همراه داشته باشد (هانلوم و هتزن، ۲۰۱۰). به‌طور کلی در این پژوهش، تعریف محدود اجتناب مالیاتی مد نظر قرار دارد و اقدامات قانونی صورت‌پذیرفته و سوءاستفاده‌های رسمی از قانون و مقررات که برای کاهش تعهدات مالیاتی صورت می‌پذیرد، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی تلقی می‌شود.

در مواردی، قانون شرایط ویژه‌ای را برای مؤدیان در نظر می‌گیرد و آنها می‌توانند از شرایط در نظر گرفته‌شده یا ضعف قانون و مصوبات آن، به نفع خود برای کاهش مالیات پرداختی (اجتناب مالیاتی) استفاده کنند. برای مثال، به موجب ماده ۱۳۳ قانون مالیات‌های مستقیم (ق.م.م)،

فعالیت‌های کشاورزی از پرداخت مالیات معاف‌اند. یا به‌موجب ماده ۱۴۵ ق.م.م، به درآمدهای سود سپرده بانکی، سود سهام و اوراق مشارکت، مالیات تعلق نمی‌گیرد. بر اساس ماده ۱۴۱ نیز، ۱۰۰ درصد درآمد حاصل از صادرات کالاهای صنعتی معاف از مالیات است.

ابزار دیگری که شرکت‌ها می‌توانند با استفاده از آن در هزینه مالیاتی صرفه‌جویی کنند، برنامه‌ریزی مالیاتی است. در برنامه‌ریزی مالیاتی سه روش برای کاهش پرداخت مالیات اجرا می‌شود: ۱. گرفتن کسری یا تخفیف؛ ۲. معافیت مالیاتی؛ ۳. پرداخت بخشی از بدهی مالیاتی از طریق انجام فعالیتی در ازای آن. راهبرد برنامه‌ریزی مالیاتی، به‌معنای به تعویق انداختن پرداخت مالیات تا حد ممکن و کاهش ارزش فعلی مالیات‌های پرداختی است (چهرمی، ۱۳۹۱). در واقع برنامه‌ریزی مالیاتی به تشویق پس‌انداز و صرفه‌جویی هزینه در شرکت منجر می‌شود. این صرفه‌جویی و پس‌انداز می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار دولتی یا تغییر محل اقامت به پناهگاه مالیاتی انجام گیرد. پناهگاه مالیاتی، منطقه یا کشوری است که مالیات آن کمتر است (اگراوال، ۲۰۰۷).

از سوی دیگر، در نظر گرفتن هزینه‌های مرتبط با اختصاص منابع به طرح‌های مالیاتی نیز اهمیت دارد. برای مثال، چنانچه شرکت به‌دنبال ایجاد خط تولید صادراتی باشد، منابعی را باید صرف کند و هزینه‌هایی را متحمل شود. شولز و همکارانش نشان دادند افزون بر هزینه فرصت از دست‌رفته، برنامه‌ریزی مالیاتی هزینه‌های دیگری چون هزینه‌های معاملاتی، هزینه تأسیس و بی‌اطمینانی را نیز به همراه دارد. بنابراین شرکت‌ها فقط زمانی می‌توانند در برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری کنند که صرفه‌جویی مالیاتی ناشی از این طرح‌ها بر هزینه‌های متحمل‌شده از بابت این طرح‌ها بیشتر باشد (شولز، ولفسن، اریکسون، مایدو و شولین، ۲۰۰۵).

از دیدگاه نظری، فرضیه سلسله‌مراتب بالاتر همبرینگ و مپسون (۱۹۸۴) بیان می‌کند خصوصیات مدیران ارشد، سبک تصمیم‌گیری آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از این ویژگی‌های جالب مدیریتی، اطمینان بیش از حد است. روان‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند افرادی که اطمینان بیش از حد دارند، امکان موفقیت خود را بیش از حد ارزیابی می‌کنند، موفقیتشان را مدیون توانایی‌های خود می‌دانند و نقش شانس و عوامل خارجی را در این امر کمتر از حد ارزیابی می‌کنند (ون، هانگ، لانگ و یان، ۲۰۰۷). اطمینان بیش از حد ویژگی شخصی است که می‌تواند به‌صورت اریب رفتاری و داشتن اعتقادهای غیر واقعی (مثبت) در رابطه با هریک از جنبه‌های پیشامد در وضعیت بی‌اطمینانی تعریف شود، در این صورت در برآورد میانگین اغراق خواهد شد (اسکالا، ۲۰۰۸).

در شرکت‌ها، اطمینان بیش از حد مدیرعامل به‌صورت مستعدبودن مدیرعامل برای پیش‌بینی بسیار مثبت نتایج یا تخمین بیش از حد احتمال وقوع نتایج، تعریف می‌شود (مالمن‌دیر و تیت،

۲۰۰۵). مدیری که اطمینان بیش از حد دارد، به طور نظام مندی بازده آتی ناشی از پروژه های سرمایه گذاری را بیش از حد تخمین می زند یا به بیانی، احتمال و اثر رویدادهای مطلوب بر جریان های نقدی شرکت را بیش از حد برآورد می کند و احتمال و اثر رویدادهای نامطلوب بر جریان های نقدی شرکت را کمتر از حد تخمین می زند (هیتن، ۲۰۰۲). بنابراین انتظار می رود مدیرانی که اطمینان بیش از حد دارند، مخارج سرمایه ای بیشتری داشته باشند (بن، گراهام و هاروی، ۲۰۱۰) و سرمایه گذاری بیش از حدی در پروژه های سرمایه گذاری انجام دهند (المندیر و تیت، ۲۰۰۵). به سبب این افزایش سرمایه گذاری در مخارج سرمایه ای (دارایی های ثابت)، هزینه استهلاک افزایش می یابد؛ هزینه ای که به سود کمتر و هزینه مالیات کمتر می انجامد. همچنین افزایش سرمایه گذاری به هزینه عملیاتی بیشتر منجر می شود. این افزایش در هزینه های عملیاتی سبب می شود درآمد مشمول مالیات شرکت کمتر شود و در نهایت، هزینه مالیات شرکت کاهش یابد. اطمینان بیش از حد مدیریتی سبب تخمین بیش از حد بازده خالص ارزش فعلی جریان های نقدی ناشی از سرمایه گذاری در برنامه ریزی مالیاتی می شود. در واقع اطمینان بیش از حد مدیریتی، از طریق تخمین بیش از حد صرفه جویی مالیاتی در برنامه ریزی مالیاتی، تخمین کمتر از حد هزینه های تحمیل شده ناشی از سرمایه گذاری در برنامه ریزی مالیاتی یا ترکیبی از این دو، میزان سرمایه گذاری در طرح های مالیات کاه را افزایش می دهد و به افزایش اجتناب مالیاتی منجر می شود (چایز و همکاران، ۲۰۱۴).

از جمله عوامل تأثیرگذار دیگر بر اجتناب مالیاتی، می توان به اندازه شرکت، اهرم مالی، سودآوری، سرمایه گذاری دارایی های ثابت، سرمایه گذاری در دارایی های نامشهود و فرصت های سرمایه گذاری اشاره کرد (چایز و همکاران، ۲۰۱۴). مبانی نظری اندازه شرکت، به طور عمده بر پایه دو فرضیه هزینه های سیاسی و قدرت سیاسی استوار است که رابطه مالیات و اندازه شرکت از مجرای آنها بررسی می شود. واتس و زیمرمن (۱۹۸۶) نشان دادند شرکت های بزرگ تر تحت نظارت دولت قرار می گیرند و با هزینه های سیاسی بیشتری مواجه می شوند؛ در نتیجه انتظار می رود این شرکت ها گرایش کمتری به اجتناب مالیاتی داشته باشند. در مقابل، فرضیه قدرت سیاسی قرار دارد. بر اساس این فرضیه، شرکت های بزرگ تر از قدرت سیاسی و اقتصادی متمیزی نسبت به شرکت های کوچک تر برخوردارند. این شرکت ها به کمک قدرت اقتصادی و لابی گری، بر قوانین اثر می گذارند و برای اجرای طرح ها و پروژه های مالیات کاه تلاش می کنند. برخی محققان معتقدند فرضیه هزینه سیاسی ممکن است در کشورهای در حال توسعه برقرار نباشد؛ زیرا در چنین کشورهایی دولت ناگزیر است برای دستیابی به اهداف اقتصادی و توسعه ملی، با شرکت های بزرگ تعامل و همکاری بیشتری برقرار کند و این امر می تواند در امتیازهای مالیاتی تبلور یابد (سروستانی، ۱۳۹۱).

نتایج مطالعات نشان می‌دهد ساختار مالکیت و اهرم مالی می‌تواند عاملی مؤثر بر اجتناب مالیاتی باشد (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). با توجه به اینکه مالیات، بر مبنای درآمد مشمول مالیات محاسبه می‌شود، سودآوری می‌تواند عاملی مؤثر بر انگیزه اجتناب مالیاتی شرکت‌ها باشد (چایز، چنگ، ژن و منگ، ۲۰۱۳). از سوی دیگر، نتایج مطالعات پیشین نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت و دارایی‌های نامشهود، سبب تغییر در تفاوت سود مشمول مالیات و سود حسابداری می‌شود (چایز و همکاران، ۲۰۱۳ و تنسی و مروی، ۲۰۱۰). برخی از قوانین مالیاتی کشور نیز نشان می‌دهد شرکت‌هایی با فرصت‌های سرمایه‌گذاری و رشد بیشتر، می‌توانند از معافیت مالیاتی بیشتری برخوردار شوند (سروستانی، ۱۳۹۱). برای مثال، طبق ماده ۱۳۸ قانون مالیات‌های مستقیم، سود ابرازی شرکت که برای توسعه، بازسازی، نوسازی، تکمیل واحدهای صنعتی یا معدنی، یا ایجاد واحد جدید در آن سال صرف می‌شود، به شرط اخذ مجوز از وزارتخانه ذی‌ربط، از ۵۰ درصد مالیات ماده ۱۰۵ معاف است. در نتیجه فرصت سرمایه‌گذاری می‌تواند بر اجتناب مالیاتی اثرگذار باشد.

پیشینه تجربی

چایز و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «اطمینان بیش از حد مدیریتی و اجتناب مالیاتی» به بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت معناداری می‌گذارد. از نتایج دیگر اینکه اطمینان بیش از حد مدیریتی، نرخ مؤثر مالیات نقدی را ۶/۶ درصد کاهش می‌دهد و بر تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات ۱/۵ درصد می‌افزاید.

کیم، وانگ و ژانگ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «اطمینان بیش از حد مدیریتی و ریسک سقوط قیمت سهام» نشان دادند پس از کنترل مدیریت سود برگرفته از مسائل نمایندگی، ویژگی اطمینان بیش از حد در مدیریت، احتمال سقوط قیمت سهام را افزایش می‌دهد.

مک‌گوایر، توماس و دیچان (۲۰۱۲) به بررسی رابطه تخصص مالیاتی حسابرسان و سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش آنها مشخص کرد اگر مؤسسه‌های حسابرسی، متخصص مالیاتی باشند، مشتریانی که خدمات مالیاتی را از این مؤسسه‌ها دریافت می‌کنند، بیشتر درگیر اجتناب مالیاتی می‌شوند. از سوی دیگر، نتایج نشان داد شرکت‌هایی که مؤسسه‌های حسابرسی آنها متخصص کلی صنعت‌اند، سطح اجتناب مالیاتی بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند. به بیان دیگر، متخصصان کلی با ترکیب تخصص مالیاتی و مالی، برای بهبود و توسعه راهبردهای مالیاتی به نفع مشتریان، از هر دو دیدگاه صورت‌های مالی و مالیاتی کمک می‌گیرند.

وو و لیو (۲۰۱۰) به بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیران بر سیاست تقسیم سود پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد سیاست تقسیم سود مدیر بیش‌اطمینان با مدیر منطقی متفاوت است. مطالعات نشان داد چنین مدیرانی تمایل دارند سود تقسیمی کمتری پرداخت کنند.

چن، چن و شلوین (۲۰۱۰) سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی را با یکدیگر مقایسه کردند و به این نتیجه دست یافتند که شرکت‌های خانوادگی نسبت به رقبای خانوادگی، از پرداخت مالیات کمتر اجتناب می‌کنند. در این شرکت‌ها تضاد نمایندگی منحصربه‌فردی میان سهامداران عمده و خرد شکل می‌گیرد. هزینه نمایندگی از آنجا ناشی می‌شود که مالیات یکی از هزینه‌های مهم شرکت و سهامداران شمرده می‌شود و معمولاً انتظار می‌رود سهامداران اجتناب مالیاتی را ترجیح دهند، اما نتایج پژوهش مؤید آن است که مالکان خانوادگی بیشتر از دیگران نگران جریمه‌های بالقوه و لطمه به خوشنامی و اعتبار از ممیزی دولت هستند و انگیزه کمتری برای اجتناب مالیاتی دارند.

مشایخ و بهزادپور (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیران بر سیاست تقسیم سود پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد بین بیش‌اطمینانی مدیران و تقسیم سود شرکت، ارتباط منفی و معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که مدیران بیش‌اطمینان تقسیم سود کمتری دارند. همچنین بررسی‌ها نشان داد با افزایش جریان‌های نقدی عملیاتی، مدیر بیش‌اطمینان جریان‌های نقدی عملیاتی آنی بیشتری را برآورد می‌کند و سود تقسیمی بیشتری را می‌پردازد.

مهرانی و سیدی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه‌کارانه بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار» به این نتیجه دست یافتند که اجتناب مالیاتی و محافظه‌کاری، ابزارهایی برای کاهش مالیات‌اند؛ به طوری که با افزایش اجتناب مالیاتی، انگیزه‌های محافظه‌کاری کاهش می‌یابد و برعکس. علاوه‌براین، رابطه منفی بین متوسط مالیات ابرازی سه سال شرکت و اجتناب مالیاتی، مبین آن است که شرکت‌ها بیشتر تمایل دارند، محافظه‌کاری کنند.

حیدری (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر علت رفتاری اعتمادبه‌نفس بیش از حد مدیریت بر افزایش چسبندگی هزینه‌های توزیع، فروش و اداری پرداخت. نتایج این پژوهش رابطه مثبت و معناداری بین اعتمادبه‌نفس زیاد مدیریت با چسبندگی هزینه‌های توزیع، فروش و اداری، نشان داد. به بیان دیگر، عامل رفتاری اعتمادبه‌نفس بیش از حد مدیریت، موجب افزایش چسبندگی هزینه‌ها می‌شود.

فروغی و نخبه‌فلاح (۱۳۹۳) در پژوهشی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی را بر محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی بررسی کردند. یافته‌های آنها حاکی از آن است که اطمینان بیش از حد

مدیریت موجب کاهش هر دو نوع محافظه‌کاری می‌شود؛ به این مفهوم که مدیران بیش از حد مطمئن، دارایی‌ها را بیش از حد و بدهی‌ها را کمتر از حد تخمین می‌زنند و درآمدها را به سرعت و زیان‌ها را با تأخیر شناسایی می‌کنند.

خانی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی» به بررسی تأثیر تخصص حسابرس در صنعت بر اجتناب مالیاتی شرکت پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت، ارتباط معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، شرکت‌هایی که حسابرس آنها متخصص صنعت است، نرخ مؤثر مالیات کمتر، نرخ مؤثر مالیات نقدی کمتر و تفاوت دفتری مالیات بیشتری نسبت به شرکت‌هایی دارند که حسابرس آنها متخصص صنعت نیست. این امر نشان‌دهنده سطح بالای اجتناب مالیاتی شرکت‌ها است.

خدامی‌پور و امینی‌نیا (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تأثیر مالکیت نهادی بر این رابطه» نشان دادند بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی، رابطه منفی وجود دارد. این رابطه منفی نشان می‌دهد اثر مناسب مالیاتی ناشی از اجتناب از پرداخت مالیات، می‌تواند به‌منزله بدهی شرکت به‌کار رود، از این رو اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند جانشین استفاده از بدهی باشد. علاوه‌براین، نتایج حاکی از این بود که سطح مالکیت نهادی بر ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی تأثیر معناداری ندارد.

فرضیه پژوهش

برای محاسبه اجتناب مالیاتی از معیارهای متفاوتی استفاده می‌شود. با توجه به اینکه در این پژوهش مطابق با پژوهش چایز و همکاران (۲۰۱۴) از دو معیار نرخ مؤثر مالیات نقدی (Cash ETR) و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات (BTD) استفاده شده است، دو فرضیه زیر برای بررسی موضوع تدوین شده است:

فرضیه اول: اطمینان بیش از حد مدیریتی بر نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی تأثیر مثبت دارد.
فرضیه دوم: اطمینان بیش از حد مدیریتی بر تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات تأثیر مثبت دارد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش را کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ شکل می‌دهد. از آنجا که در تخمین مدل‌های پژوهش، اطلاعات سال

۱-*t* لازم است، اطلاعات سال ۱۳۸۴ نیز جمع‌آوری شده است. در این پژوهش، شرکت‌هایی مد نظر قرار خواهند گرفت که از شرایط زیر برخوردار باشند:

۱. به‌منظور امکان مقایسه اطلاعات، سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد؛
۲. طی بازه زمانی پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشد؛
۳. معاملات سهام شرکت طی دوره پژوهش، بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد؛
۴. داده‌هایی که برای اجرای پژوهش لازم است، موجود و در دسترس باشد؛
۵. جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی (بانک‌ها، سرمایه‌گذاری و لیزینگ) نباشد؛
۶. طی بازه زمانی پژوهش سود گزارش کرده باشد.

با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، در مجموع ۷۶ شرکت انتخاب شد.

مدل و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، بر اساس پژوهش چایز و همکاران (۲۰۱۴) از مدل رگرسیونی چندمتغیره با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. برای فرضیه اول از مدل ۱ و برای فرضیه دوم از مدل ۲ استفاده شده است.

$$\text{Cash ETR}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Overcon}_{i,t} + \beta_2 \text{Size}_{i,t} + \beta_3 \text{PPE}_{i,t} + \beta_4 \text{Lev}_{i,t} + \beta_5 \text{CFO}_{i,t} + \beta_6 \text{Intangible}_{i,t} + \beta_7 \text{M/T}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (\text{مدل ۱})$$

$$\text{BTD}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Overcon}_{i,t} + \beta_2 \text{Size}_{i,t} + \beta_3 \text{PPE}_{i,t} + \beta_4 \text{Lev}_{i,t} + \beta_5 \text{CFO}_{i,t} + \beta_6 \text{Intangible}_{i,t} + \beta_7 \text{M/T}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (\text{مدل ۲})$$

متغیر وابسته

متغیر وابسته این پژوهش، اجتناب مالیاتی ($\text{Tax Avoidance}_{i,t}$) است. بدین منظور، دو معیار به شرح زیر برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی جایگزین شده است:

$\text{Cash ETR}_{i,t}$: نرخ مؤثر مالیات نقدی شرکت *i* در سال *t* که از طریق تقسیم مالیات نقدی پرداختی بر سود قبل از کسر مالیات، ضرب در ۱- محاسبه شده است.

$\text{BTD}_{i,t}$: تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات شرکت *i* در سال *t* که از طریق تفاوت سود حسابداری (سود قبل از کسر مالیات) و سود مشمول مالیات محاسبه شده است. همچنین به‌منظور همگن‌سازی، این متغیر بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها تقسیم شد.

متغیر مستقل پژوهش

$Overcon_{i,t}$: بیانگر اطمینان بیش از حد مدیریتی شرکت i در سال t است. با توجه به اینکه تصمیم‌های سرمایه‌گذاری شرکت، حاوی اطلاعاتی درباره میزان اطمینان بیش از حد مدیریتی است، در این پژوهش مطابق با پژوهش احمد و دوئلمن (۲۰۱۳) برای اندازه‌گیری اطمینان بیش از حد مدیریتی ($Overcon$) از معیار $Over Inv_{i,t}$ (مازاد سرمایه‌گذاری) استفاده شده است. بدین منظور ابتدا مدل رگرسیونی ۳ به صورت مقطعی برآورد می‌شود و پس از آن در هر سال باقی‌مانده محاسبه شده خواهد شد. چنانچه باقی‌مانده مدل ۳ برای شرکتی بزرگ‌تر از صفر باشد؛ به این معناست که در آن شرکت بیش از حد سرمایه‌گذاری شده است.

$$ASSET \times GR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 SALE \times GR_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{(مدل ۳)}$$

$ASSET \times GR_{i,t}$: رشد دارایی‌ها شرکت i در سال t است که از تفاوت میزان تغییرات دارایی‌ها نسبت به سال گذشته شرکت محاسبه می‌شود.

$SALE \times GR_{i,t}$: رشد فروش شرکت i در سال t است که از تفاوت میزان تغییرات فروش نسبت به سال گذشته شرکت محاسبه می‌شود.

اطمینان بیش از حد مدیریتی ($Overcon_{i,t}$) متغیر مجازی است که اگر باقی‌مانده مدل ۳ در سال بررسی بزرگ‌تر از صفر باشد، برابر با یک است و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته خواهد شد.

متغیرهای کنترلی پژوهش

$Size_{i,t}$: بیانگر اندازه شرکت i در سال t است که از طریق لگاریتم ارزش دفتری کل دارایی‌ها محاسبه شده است.

$PPE_{i,t}$: بیانگر سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت شرکت i در سال t است که از تقسیم ارزش دفتری دارایی‌های ثابت بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها محاسبه شده است.

$Lev_{i,t}$: بیانگر اهرم مالی شرکت i در سال t است که از تقسیم کل بدهی‌ها بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها به دست آمده است.

$CFO_{i,t}$: بیانگر سودآوری شرکت i در سال t است که از طریق تقسیم جریان نقدی عملیاتی بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها به دست آمده است.

$Intangible_{i,t}$: بیانگر سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود شرکت i در سال t است که از تقسیم ارزش دفتری دارایی‌های نامشهود بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها محاسبه شده است.

$MTB_{i,t}$: بیانگر فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت i در سال t است که از تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت به ارزش دفتری آن در پایان سال محاسبه شده است.

آمار توصیفی

جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را برای ۷۶ شرکت عضو نمونه، طی ۸ سال نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود با توجه به نزدیکی میانه و میانگین می‌توان بیان کرد تمام متغیرهای پژوهش از توزیع آماری مناسبی برخوردارند، همچنین انحراف معیار آنها صفر نیست، بنابراین می‌توان متغیرهای مد نظر را در مدل وارد کرد. حداقل نرخ مؤثر مالیاتی بیانگر این است که برخی از شرکت‌ها با اینکه سود گزارش می‌کنند، هیچ‌گونه مالیاتی پرداخت نمی‌کنند. میانگین تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات BTD $0/08$ است که نشان می‌دهد به‌طور متوسط سود قبل از مالیات شرکت‌ها بیشتر از سود مشمول مالیات آنها است. حداقل تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات ($-0/04$) بیانگر این است که در بعضی از شرکت‌ها، سود حسابداری کمتر از سود مشمول مالیات است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
<i>Cash ETR</i>	$-0/1492$	$-0/1162$	۰	$-2/404$	$0/2477$
<i>BTD</i>	$-0/0841$	$-0/0537$	$0/5216$	$-0/0466$	$0/0923$
<i>Size</i>	$5/848$	$5/806$	$7/437$	$4/655$	$0/5081$
<i>PPE</i>	$0/2557$	$0/2157$	$0/17785$	$0/0013$	$0/1709$
<i>Lev</i>	$0/6013$	$0/6284$	$0/9231$	$0/0964$	$0/1549$
<i>CFO</i>	$0/1604$	$0/1472$	$0/6521$	$-0/2827$	$0/1357$
<i>Intangible</i>	$0/0034$	۰	$0/0966$	۰	$0/0077$
<i>MTB</i>	$2/368$	$1/849$	$6/403$	$0/0048$	$2/447$

آزمون هم‌خطی

هم‌خطی وضعیتی است که نشان می‌دهد متغیر مستقل تابعی خطی از سایر متغیرهای مستقل است. اگر در معادله رگرسیون هم‌خطی بالا باشد، به این معناست که بین متغیرهای مستقل همبستگی زیادی وجود دارد و ممکن است با وجود ضریب تعیین بالا، مدل از اعتبار برخوردار نباشد (کامیابی، نیکروان فرد و سلمانی، ۱۳۹۳). برای آزمون هم‌خطی به کمک نرم‌افزار Stata،

آزمون VIF اجرا شده است. با توجه به مقدار VIF کمتر از ۱۰، می‌توان گفت بین متغیرهای مستقل هم‌خطی وجود ندارد.

آزمون ناهمسانی واریانس

چنانچه مدل از نوع داده‌های ترکیبی باشد، ناهمسانی واریانس نیز بررسی می‌شود. در این پژوهش برای بررسی ناهمسانی واریانس، آزمون راست‌نمایی (LR) اجرا شده است. مقدار به‌دست‌آمده از آزمون LR ناهمسانی واریانس را گزارش می‌دهد که به‌منظور رفع آن، از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) برای برآورد مدل‌ها استفاده شده است. جدول ۲ نتایج آزمون LR را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتایج آزمون LR

شرح	آزمون LR	
	آماره ^۲ خی‌دو	P-Value
فرضیه ^۱ اول	۹۷۷/۷۷	۰/۰۰۰۰
فرضیه ^۲ دوم	۶۶۰/۱۱۴	۰/۰۰۰۰

آزمون‌های انتخاب نوع مدل

در این پژوهش، برای انتخاب مدل تحلیل داده و استفاده از داده‌های ترکیبی یا تلفیقی، آزمون F لیمر اجرا شده است. با توجه به آماره^۲ F و سطح معناداری به‌دست‌آمده، از داده‌های تلفیقی (پنل) استفاده شده است. داده‌های تلفیقی به دو صورت اثرهای ثابت و اثرهای تصادفی به‌کار می‌رود که به کمک آزمون هاسمن، نوع آن تشخیص داده می‌شود. با توجه به آماره^۲ کای‌دو و سطح معناداری آزمون هاسمن که در جدول ۳ نیز آمده است، برازش مدل پژوهش به‌صورت داده‌های تلفیقی به کمک مدل اثرهای ثابت انجام گرفته است. خلاصه^۲ نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن در جدول ۳ درج شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن مدل پژوهش

شرح	آزمون F لیمر		آزمون هاسمن	
	آماره	P- Value	آماره	P- Value
فرضیه ^۱ اول	۱/۵۱۷	۰/۰۰۵۳	۱۴/۵۶۰	۰/۰۴۲۱
فرضیه ^۲ دوم	۵/۸۰۴	۰/۰۰۰۰	۴۶/۰۱۲	۰/۰۰۰۰

یافته‌های پژوهش

الف) نتایج آزمون فرضیه اول

جدول ۴ نتیجه آزمون مدل ۱ پژوهش را با استفاده معیار اول اجتناب مالیاتی (Cash ETR) نشان می‌دهد. طبق این فرضیه انتظار می‌رود اطمینان بیش از حد مدیریتی بر نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی تأثیر مثبتی داشته باشد.

جدول ۴. نتایج برازش مدل ۱ با استفاده از معیار اول اجتناب مالیاتی (Cash ETR)

$$Cash\ ETR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Overcon_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 PPE_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \beta_5 CFO_{i,t} + \beta_6 Intangible_{i,t} + \beta_7 M/T_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	p-value
ضریب ثابت	۰/۱۹۹۱	۰/۰۹۱۲	۲/۱۸۲	۰/۰۲۹۵
OverCON	۰/۰۳۲۰	۰/۰۰۵۷	۱/۵۹۷۹	۰/۰۰۰۰
Size	-۰/۰۴۳۸	۰/۰۱۴۶	-۲/۹۹۹۱	۰/۰۰۲۸
PPE	-۰/۰۲۳۹	۰/۰۳۵۱	-۰/۶۸۰۱	۰/۴۹۶۷
Lev	-۰/۱۴۰۲	۰/۰۳۶۴	-۳/۸۴۴۸	۰/۰۰۰۱
CFO	-۰/۰۹۰۰	۰/۰۲۹۵۱	-۳/۰۴۸۶	۰/۰۰۲۴
Intangible	-۱/۳۶۶	۰/۴۸۳۵	-۲/۸۲۶	۰/۰۰۴۹
MTB	۰/۰۰۲۱	۰/۰۰۱۳	۱/۵۹۸۷	۰/۱۱۰۵
آماره F فیشر			۷/۱۳۱۷	۰/۰۰۰۰
آماره دوربین - واتسون		۲/۰۷۰۰	ضریب تعیین	۰/۵۲۷۴
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۵۳۴	تعداد مشاهدات	۶۰۷

همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، P-value محاسبه شده برای متغیر اطمینان بیش از حد مدیریتی کمتر از سطح خطای ۵ درصد است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت اطمینان بیش از حد مدیریتی بر نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی تأثیر معناداری می‌گذارد. از سوی دیگر، ضریب برآورد شده برای متغیر اطمینان بیش از حد مدیریتی در سطح خطای ۵ درصد مثبت است؛ یعنی اطمینان بیش از حد مدیریتی بر نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی تأثیر مثبت دارد. به بیان دیگر اطمینان بیش از حد، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی را ۳/۲ درصد کاهش می‌دهد. همچنین آماره دوربین واتسون برای این مدل نشان می‌دهد خودهمبستگی بین اجزای باقی‌مانده مدل وجود ندارد. آماره و سطح معناداری F فیشر نیز نشان می‌دهد کل مدل از لحاظ آماری

معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده، قدرت توضیح دهنده متغیرهای مستقل و کنترلی را نشان می دهد که در این پژوهش ۰/۴۵۳۴ به دست آمده است. با توجه به نتایج جدول ۴ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه اول پژوهش با استفاده از معیار اول اجتناب مالیاتی (Cash ETR) رد نخواهد شد.

ب) نتایج آزمون فرضیه دوم

جدول ۵ نتیجه آزمون مدل ۲ پژوهش را با استفاده از معیار دوم اجتناب مالیاتی (BTD) نشان می دهد. طبق این فرضیه انتظار می رود اطمینان بیش از حد مدیریتی بر تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات تأثیر مثبتی داشته باشد.

جدول ۵. نتایج برازش مدل ۲ با استفاده از معیار دوم اجتناب مالیاتی (BTD)

$BTD_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Overcon_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 PPE_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \beta_5 CFO_{i,t} + \beta_6 Intangible_{i,t} + \beta_7 M/T_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	p-value
ضریب ثابت	۰/۲۴۶۵	۰/۰۵۴۸	۴/۴۹۵۱	۰/۰۰۰۰
Over CON	۰/۰۰۳۹	۰/۰۰۱۲	۳/۲۲۲۴	۰/۰۰۱۴
Size	-۰/۰۱۵۵	۰/۰۰۹۷	-۱/۵۸۸۳	۰/۱۱۲۸
PPE	-۰/۰۱۵۳	۰/۰۰۷۵	-۲/۰۲۸۵	۰/۰۴۳۰
Lev	-۰/۱۳۶۲	۰/۰۱۲۷	-۱۰/۷۰۲۹	۰/۰۰۰۰
CFO	-۰/۰۰۷۴	۰/۰۰۶۷	-۱/۱۰۳۸	۰/۲۷۰۲
Intangible	-۰/۳۶۱۱	۰/۰۶۸۶	-۵/۲۶۴۵	۰/۰۰۰۰
MTB	۰/۰۰۶۴	۰/۰۰۰۶	۱۰/۳۵۰۲	۰/۰۰۰۰
آماره F فیشر			۲۵/۰۱۲۴	۰/۰۰۰۰
آماره دوربین واتسون		۱/۷۰۰۳	ضریب تعیین	۰/۷۹۶۵
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۷۶۴۶	تعداد مشاهدات	۶۰۷

همان طور که نتایج مندرج در جدول ۵ نشان می دهد P-value محاسبه شده برای متغیر اطمینان بیش از حد مدیریتی کمتر از سطح خطای ۵ درصد است. از این رو، می توان نتیجه گرفت اطمینان بیش از حد مدیریتی بر تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات تأثیر معناداری دارد. از سوی دیگر، ضریب برآورد شده برای متغیر اطمینان بیش از حد مدیریتی در سطح خطای ۵ درصد مثبت است؛ یعنی اطمینان بیش از حد مدیریتی بر تفاوت سود حسابداری و

سود مشمول مالیات تأثیر مثبت دارد. به بیان دیگر، اطمینان بیش از حد، تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات را ۰/۳۹ درصد افزایش می‌دهد. همچنین آماره دوربین واتسون برای این مدل نیز نشان می‌دهد خودهمبستگی بین اجزای باقی‌مانده مدل وجود ندارد. آماره و سطح معناداری F فیشر نیز نشان می‌دهد کل مدل از لحاظ آماری معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده که قدرت توضیح‌دهندگی متغیرهای مستقل و کنترلی را نشان می‌دهد، در این پژوهش ۰/۷۶۴۶ به دست آمده است. بنابراین با توجه به نتایج جدول ۵ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه دوم این پژوهش با استفاده از معیار دوم اجتناب مالیاتی (BTD) رد نخواهد شد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مالیات هزینه‌ای است که دولت به تمام واحدهای انتفاعی که به نوعی درآمدزایی دارند، تحمیل می‌کند. چنانچه شرکت‌ها و اشخاص حقوقی، واحدهایی تلقی شوند که به منظور کسب سود فعالیت می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که در پی راهکارهایی برای کاهش مالیات باشند. در ادبیات مالی کشورهای دیگر، تلاش‌ها و راهکارهای قانونی شرکت‌ها به منظور کاهش هزینه مالیات با نام‌های گوناگونی چون مدیریت مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات و رویه مالیاتی جسورانه شناخته می‌شود. معمولاً فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به ابزارهای صرفه‌جویی مالیات اطلاق می‌شود که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بدین طریق ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد. بنابراین در این پژوهش به بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار پرداخته شد. معیارهای متفاوتی برای سنجش اجتناب مالیاتی معرفی شده است که در پژوهش پیش رو از دو معیار نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات استفاده شده است. همچنین برای محاسبه اطمینان بیش از حد مدیریتی به پیروی از احمد و دوئلمن (۲۰۱۳) از شاخص مبتنی بر سرمایه‌گذاری استفاده شد.

نتیجه آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که اطمینان بیش از حد مدیریتی بر نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی تأثیر مثبت و معناداری دارد. به بیان دیگر با افزایش اطمینان بیش از حد مدیریتی، میزان مالیات نقدی شرکت‌ها کمتر می‌شود که نشان‌دهنده اجتناب مالیاتی شرکت است. این یافته منطبق بر یافته‌های محققانی چون چایز و همکاران (۲۰۱۴) و چایز (۲۰۱۳) است، آنها نیز به نتایج مشابهی دست یافتند.

همچنین نتیجه آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد اطمینان بیش از حد مدیریتی بر تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات تأثیر مثبت و معناداری دارد. بر اساس این فرضیه می‌توان

نتیجه گرفت اطمینان بیش از حد مدیریت سبب می‌شود درآمد مالیاتی نسبت به درآمد قبل از مالیات کاهش یابد (در واقع تفاوت بین درآمد قبل از مالیات و درآمد مالیاتی افزایش می‌یابد) و به دنبال آن، از هزینه مالیات شرکت کاسته شود که نشان دهنده اجتناب مالیاتی شرکت است. این موضوع نیز با یافته‌های چایز و همکاران (۲۰۱۴) همخوانی دارد.

در مجموع از نتایج پژوهش می‌توان دریافت اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت دارد و سبب کاهش هزینه مالیات می‌شود. به بیان دیگر، از آنجاکه مدیران بیش اطمینان بازده ناشی از سرمایه‌گذاری را در طرح‌های مالیاتی بیش از حد تخمین می‌زنند (هزینه‌های تحمیل‌شده طرح‌های سرمایه‌گذاری را کمتر از حد تخمین می‌زنند)، در طرح‌های مالیاتی سرمایه‌گذاری می‌کنند و از این طریق به صرفه‌جویی در هزینه مالیاتی می‌پردازند.

References

- Agraval, K. (2007). *Corporate Tax Planning*. 6th.Ed, Vol 1, Delhi University.
- Ahmed, A. & Duellamanm S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*. 51 (1): 1-30.
- Ben-David, I., Graham, J.R. & Harvey, C.R. (2010). Managerial miscalibration, *Working paper*, Duke University.
- Chen, S., Chen, X., Cheng, Q. & Shevlin, T. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms. *Journal of Financial Economics*, 91(1): 41-61.
- Chyz, J., Gaertner, F., Kausar, A. & Watson, L. (2014). *Overconfidence and Aggressive Corporate Tax Policy*. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2408236>.
- Chyz, J.A., Ching Leung, W.S., Zhen Li, O. & Meng Rui, O. (2013). Labor unions and tax aggressiveness. *Journal of Financial Economics*, 108 (3): 675-698.
- Chyz, J.A. (2013). Personally tax aggressive executives and corporate tax sheltering. *Journal of Accounting & Economics*, 56 (2-3): 311-328.
- Foroghi, D. & Nokhbeh-fallah, Z. (2014). The effect of managerial overconfidence on conditional and unconditional conservatism. *Journal of Financial Accounting Research*, 6(19): 27-44. (in Persian)

- Hambrick, D. & Mason, P. (1984). Upper echelons: the organization as a reflection of its top managers. *Academy of Management Review*, 9 (2): 193-206.
- Hanlon, M. & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2- 3): 127-178.
- Heaton, J. (2002). Managerial optimism and corporate finance. *Financial Management*, 31 (2): 33-45.
- Heidari, M. (2014). Examining managerial overconfidence behavioral explanation effect on cost stickiness: comparison with economic and agency theory based factors. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 21 (2): 151-172. (in Persian)
- Hoopes, J. L., Mescall, D. & Pittman J. A. (2012). Do IRS Audits Deter Corporate Tax Avoidance, *Accounting Review*, 87 (5): 1603-1639.
- Jahromi, M. (2012). *Corporate transparency and tax avoidance*. Msc thesis, University of Tehran. (in Persian)
- Kamyabi, Y., Nikravan-Fard, B. & Salami, R. (2014). The relationship between cash flow volatility and cash flow sensitivity of cash with dividend policy in Tehran stock exchange. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 21 (2): Do IRS Audits Deter Corporate Tax Avoidance 211-228. (in Persian)
- Khani, A., Imani, K. & Molaei, M. (2013). Investigating the Relationship between the Industry Expertise of Auditor and Tax Avoidance of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Audit Science*, 13 (51): 43-68. (in Persian)
- Khodamipour, A. & Amininia, M. (2013). An Investigation into the Relationship between Tax Avoidance and Cost of Debt and the Effect of Institutional Ownership on this Relationship. *Tax Research*, 19 (67): 135-156. (in Persian)
- Kim, J. B., Wang, Z. & Zhang, L. (2014). CEO Overconfidence and Stock Price Crash Risk, *Working Paper*, Available: [Http://www.ssrn.com](http://www.ssrn.com).
- Malmendier, U. & Tate, G. (2005). CEO Overconfidence and Corporate Investment. *Journal of Finance*, 60 (6): 661-700.
- Mashayekh, M. & Behzadpur, S. (2015). The Effect of Managers' Overconfidence on Dividend Policy in the Firms Listed in Tehran Stock

Market. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 21 (4): 485-504. (in Persian)

McGuire, T., Thomas, C. & Dechun, W. (2012). Tax Avoidance: Does Tax-Specific Industry Expertise Make a Difference? *The Accounting Review*, 87 (3): 975-1003.

Mehrani, S. & Seyyedi, J. (2014). Investigation effect of taxable income and conservatism accounting on tax aggressive firms. *Accounting and Audit Management Science*, 3(10): 13-23. (in Persian)

Saidi, P. & Kalami, A. (2007). The Impact of the Change of Corporate Income Tax Law on Investment Levels of Manufacturing Companies. *Tax Research*, 3 (51): 141-169. (in Persian)

Sarvestani, A. (2012). *Investigation relationship the characteristic firms and kind of property with tax effective rate from the companies listed in Tehran Stock Exchange*. Msc thesis, University of Shahid Bahonar Kerman. (in Persian)

Scholes, M., Wolfson, M., Erickson, M., Maydew, E. & Shevlin, T. (2005). *Tax and business strategy: a planning approach*. 3rd ed. The University of Michigan: Prentice Hall Publication.

Shourvarzi, M. & Rahmani, A. (2011). A Review of Statutory Tax Exemptions Considered by Auditors Member to the Association of CPA and Tax Assessors of the INTA. *Tax Research*, 10 (58): 9-36. (in Persian)

Skala, D. (2008). Overconfidence in Psychology and Finance an Interdisciplinary Literature Review. *Bank i Kredyt*, (4): 33-50.

Tensie, S. & Mervi, N. (2010). *Tax Aggressive Behaviour in Private Family Firms - The Effect of the CEO and Board of Directors*. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1937651>.

Wan, F. , Huang, D., Lan, Q. & Yang, X. (2007). Numerical simulation for influence of overconfidence and regret aversion on return distribution. *System engineering theory & practice*, 27(7): 10-18.

Watts, R. L. & Zimmerman, J. L. (1986). *Positive Accounting Theory*. Upper Saddle River, NJ: Practice Hall.

Wu, C., Liu, V. (2010). *Payout policy and CEO overconfidence*. working Paper. National sun Yat-sen University. Taiwan. Available at: <http://www.ssrn.com>.

Zehi, N. & Mohammadkhanli, S. (2009). A Study on Factors Affecting Tax Evasion (A Case Study of East Azerbaijan Province). *Tax Research*, 18 (9): 25-60. (in Persian)